

ارزیابی وضعیت حقوق بشر در نظام نومحافظه کاری (مطالعه موردی: ایالات متحده آمریکا)

محمود غفوری^۱

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان

محمد داوند

دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۶ - تاریخ تصویب: ۹۴/۹/۲۲)

چکیده

به گزارش سازمان‌های حقوق بشری با وجود کوشش سازمان‌های فعال مردم‌نهاد در آمریکا و جامعه مدنی جهانی، دولت ایالات متحده حقوق بسیاری از شهروندان آمریکایی و مردمان بومی سایر کشورها را نقض می‌کند. این پژوهش بر این باور است که تداوم این معضل در چند دهه اخیر، به علت حاکمیت نظام نومحافظه کاری شدت بیشتری پیدا کرده است. تفکر نومحافظه کاری به نابرابری انسان‌ها از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اعتقاد دارد؛ درحالی که موازین حقوق بشری به برابری انسان‌ها در تمامی ابعاد زندگی بشر تأکید می‌ورزند. شایان ذکر است که نومحافظه کاری یک مشی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که در واکنش به دولت رفاهی (نظام مستقر پس از جنگ دوم جهانی) در کشورهای سرمایه‌داری موجب گردش به راست آنها شده و اعم از نومحافظه کاری احزاب محافظه‌کار سنتی این کشورهاست. از این رو، در نظام نومحافظه‌کار آمریکا، رهبران این کشور اندیشه‌هایی همچون برتری سفیدپوستان نسبت به سیاه‌پوستان، تنبیه شدید جنایتکاران، تأثیر و نظارت بر زندگی شهروندان، بازار آزاد و کاهش مالیات، جلوگیری از گسترش حقوق شهروندان، مخالفت با فمینیسم و نابرابری‌های طبیعی و چیرگی بر جهان را دارند که نقض حقوق سیاه‌پوستان، زندانیان و شهروندان، فقرا، مهاجران، زنان و حمله موشکی پهبادهای آمریکایی به غیرنظامیان پاکستانی و یمنی را موجب می‌شود.

واژگان کلیدی

حقوق بشر، نابرابری، نومحافظه کاری

مقدمه

در عصر حاضر، ویژگی‌های اصلی دولت ملی در حال زوال است؛ به نحوی که حکومت‌های ملی دیگر نمی‌توانند همچون گذشته با وجود جامعه مدنی جهانی از خودمختاری لازم برخوردار باشند. استیلای کامل دولت‌ها بر شیوه زیست مردم خود و جامعه بین‌المللی با توجه به گسترش ارتباطات و اطلاعات در سطح جهان، دیگر ممکن نیست. یکی از اجزای جامعه مدنی جهانی، سازمان‌های غیرحکومتی بین‌المللی هستند. نقش این سازمان‌ها گردآوری اطلاعاتی است که بتوان آنها را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم برای اعمال نفوذ در جهت تضمین رعایت حقوق بشر و آزادی‌های مدنی به‌کار برد (نش، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۲). برخی از این سازمان‌ها گزارش‌هایی را در مورد وضعیت حقوق بشر تقریباً در تمامی کشورهای دنیا از جمله آمریکا منتشر می‌کنند که می‌توان از آنها برای ارزیابی وضعیت حقوق بشر در ایالات متحده و میزان رعایت موازین حقوق بشری توسط آمریکا در عرصه جهانی، استفاده کرد.

برای نمونه، سازمان دیدبان حقوق بشر در سال ۲۰۱۴، می‌نویسد: اگرچه، آمریکا جامعه مدنی فعالی دارد و دارای رسانه‌هایی است که از حمایت‌های قانونی قدرتمندی برخوردارند، با این اوصاف، حقوق مردم این کشور همچون اقلیت‌های نژادی و قومی، زنان، فقرا و زندانیان مکرراً از طریق سوءاستفاده‌های صورت‌گرفته دولت، ضایع شده است. همچنین جاسوسی گسترده دولت از مردم، موجب ایجاد نگرانی در مورد نقض حق حریم خصوصی افراد شده است (Human Rights Watch, 2014). سازمان عفو بین‌الملل نیز در آخرین گزارش سالانه خود درباره آمریکا، از شرایط ظالمانه زندانیان آمریکایی و زندانیان گوانتانامو، شرایط زنان و دختران، وضعیت مهاجران و کودکان ابراز نگرانی می‌کند (Amnesty International, 2013: 287). این شرایط در حالی است که سازوکارهایی همچون قانون اساسی آمریکا که از آزادی بیان و عقیده حمایت می‌کند، جامعه مدنی پر جنب‌وجوش این کشور و شمار فزاینده سازمان‌های غیرحکومتی فعال در داخل و خارج از آمریکا، قادر نیستند در مقابل نقض حقوق اساسی اقشار جامعه داخلی ایالات متحده و همچنین جامعه بین‌المللی که توسط دولت آمریکا صورت می‌گیرد، اقدامات مؤثر و ساختاری انجام دهند.

در این زمینه، به‌منظور ریشه‌یابی این معضل باید تحلیلی دقیق از ساختار اعتقادی رهبران نظام سیاسی آمریکا و موازین حقوق بشری ارائه داد تا بتوان بر این اساس، نمودهای نقض حقوق بشر توسط دولت آمریکا در داخل و خارج از این کشور را ترسیم کرد. در واقع با به قدرت رسیدن رونالد ریگان در اوایل دهه ۱۹۸۰ روح نومحافظه‌کاری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی رهبران آمریکا دمید. به‌طور کلی، نومحافظه‌کاران آزادی انسان‌ها را نفی کرده و معتقدند که یک گروه نخبه باید جامعه را رهبری کنند و توده‌ها نیز از آنها اطاعت کنند.

به عقیده آنها نابرابری‌های اجتماعی، برای رشد اقتصادی ضروری است، از این‌رو از بازار آزاد و کاهش مالیات حمایت می‌کنند. نومحافظه‌کاران معتقدند که دموکراسی در بطن قدرت نظامی امکان تداوم می‌یابد؛ بنابراین لازم است که طرفداران دموکراسی از بالاترین قدرت در رابطه با کشورهای دیگر برخوردار باشند تا فرصت برای نیروهای دموکراتیک‌ستیز در جهت تخریب فضیلت‌های دموکراتیک ایجاد نشود. اما ساختارهای حقوق بشری بر این بنیاد استوارند که اولاً دولت‌ها باید انواع آزادی اتباع و اقلیت‌های اجتماعی جامعه خود را سلب نکنند؛ ثانیاً، دولت‌ها باید تمام کوشش خود را به منظور ایجاد برابری اقتصادی و اجتماعی به کار گیرند؛ ثالثاً، دولت‌ها نه تنها باید در عرصه بین‌المللی آسیب یا خطری برای صلح، محیط زیست، مردمان بومی و... نباشند، بلکه باید موقعیت آنها را ارتقاء دهند.

با علم به اینکه از سال ۱۹۸۰ تاکنون تصمیم‌گیری‌های سیاست داخلی و خارجی رهبران آمریکا بر مبنای فکری و عملی نظام نومحافظه‌کاری استوار است، این سؤالات مطرح می‌شوند که بنیادهای اعتقادی رهبران نومحافظه‌کار آمریکا در قبال موازین حقوق بشری چیستند؟ و پیامدهای منفی آن به چه شکل به نقض حقوق شهروندان آمریکایی و غیرآمریکایی انجامیده است؟

۱. سنجش نظری اصول نومحافظه‌کاری با موازین حقوق بشری

مکتب نومحافظه‌کاری در مخالفت با میراث روشنگری و مدرنیته و در ضدیت با عقل‌گرایی و اندیشه آزادی و اختیار انسان پدید آمد. محافظه‌کاران ادعای اصلی مدرنیته را درباره آزادی و آگاهی انسان نفی می‌کنند و او را موجودی مقید به سنت و تاریخ می‌دانند (بشیری، ۱۳۹۰: ۳۰۰). می‌توان گفت ایدئولوژی نومحافظه‌کاری سه دوره اصلی داشته است: نخست، محافظه‌کاری لیبرال که در دوران اوج لیبرالیسم رفته‌رفته از اثرش بر مالکیت زمین و پدرسالاری سیاسی و اجتماعی کاست و اصول لیبرالیسم را پذیرفت؛ دوم، محافظه‌کاری پدرسالارانه که با پیدایش دولت‌های مداخله‌گرا و بروز بحران در اقتصاد بازاری، بار دیگر به اصول پدرسالاری پیشین بازگشت و از دولت فراگیر پشتیبانی کرد؛ سوم، نومحافظه‌کاری که به اصول اقتصاد آزاد باز بازگشته و در چارچوب لیبرالیسم آموزه‌ای به نام «راست نو» را پدید آورده است (موسی‌نژاد و حسین‌پور، ۱۳۸۷: ۴۰).

هسته مرکزی تفکر محافظه‌کاری اعتقاد به نابرابری انسان‌هاست و اینکه اقلیتی باید نقش هدایت جامعه را بر عهده داشته باشند و اکثریت از نبوغ این اقلیت برخوردار شوند. اما این اقلیت چه کسانی هستند؟ در پاسخ باید گفت محافظه‌کاران اشراف‌متمش و محافظه‌کاران بورژوازمتمش. دسته اول به نوعی «اشرافیت طبیعی» اعتقاد داشتند؛ از این‌رو کسانی که به

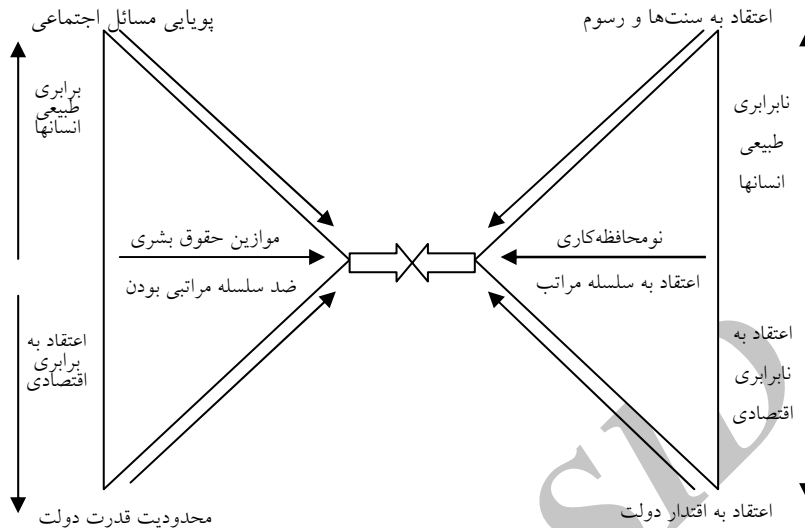
«اشرافیت طبیعی» تعلق دارند، از دانش، فضیلت و عقل لازم برای رهبری امور عمومی برخوردارند. اما محافظه‌کاران بورژوازش ستایشگر افرادی استثنایی هستند که با شایستگی‌های فردی خلق ثروت می‌کنند و از صفات نادری چون بصیرت، بلندپروازی و رهبری برخوردارند. آنچه گاهی تاچریسم خوانده می‌شود، به این گروه از محافظه‌کاران تعلق دارد. در نهایت محافظه‌کاران جدید از الفاظی چون بازار آزاد و ابتکار فردی برای دفاع از نظام سرمایه‌داری و برای توجیه نابرابری‌های شدید اقتصادی و اجتماعی در عرصه جامعه استفاده می‌کنند (پولادی، ۱۳۸۳: ۲۰۸-۲۰۹). از طرفی، نومحافظه‌کاران در عرصه بین‌المللی معتقدند که دموکراسی‌ها باید بتوانند با اقتدار کامل دشمنان خود را حتی با توسل به زور و قوه قهریه سرکوب کنند. به این ترتیب استفاده از زور برای ایجاد و گسترش دموکراسی نه تنها جایز بلکه ضروری است. آنها همچنین بر این باورند که هر رژیم سیاسی ناگزیر است برای ایجاد اتحاد ملی یک دشمن بیرونی برای خود ترسیم کند (موسوی‌شفایی، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۳۴).

در مقابل، حقوق بشر از جمله مفاهیمی است که ریشه در خلقت بشری دارد و به انحاء مختلف در تمام ادیان الهی و آموزه‌های دینی به آن اشاره شده است. این حقوق از جمله قواعد حقوق طبیعی است که در چارچوب اصول کلی حقوق ذاتی تلقی می‌شود و در نتیجه فراتر از اراده حاکمان، اصول قهری، لایتغیر، عام و فراگیر است که مشمول مرور زمان نمی‌شود و لازمه حیات فردی و اجتماعی است (فروغی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۶۰). حقوق بشر از اساسی‌ترین حقوقی است که هر فرد به‌طور ذاتی و به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی این حقوق ویژگی‌هایی همچون جهانشمول بودن، سلب‌ناشدنی، انتقال‌ناپذیری، تفکیک‌ناپذیری، عدم تبعیض و برابری‌طلبی، به‌هم‌پیوستگی و درهم‌تنیدگی را داراست. از این‌رو، به تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد (Merriam Webster Dictionary, 2013).

حقوق بشر سه نسل متفاوت دارد. نسل اول حقوق بشر مربوط به آزادی و دربردارنده حقوق مدنی و سیاسی است که از افراد در مقابل قدرت دولت‌ها محافظت می‌کند. این حقوق در درجه اول مربوط به افراد می‌شوند، اما در برخی موارد به‌صورت جمعی (مانند آزادی تشکل و حق تجمعات) نیز، بیان می‌شوند. حقوق مدنی و سیاسی عبارت‌اند از: آزادی اندیشه و وجدان، آزادی بیان و مذهب، حق مشارکت در جامعه مدنی و سیاست و حفاظت از ممنوعیت تبعیض در جامعه و غیره. نسل دوم حقوق بشر شامل حقوقی است که برابری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در جامعه تضمین می‌کند. این حقوق شامل شرایط کار مساوی، حق امنیت اجتماعی، حق مشارکت فرهنگی، حق آموزش و پرورش و بیمه بیکاری برای آحاد جامعه هستند که باید دولت‌ها آنها را ایجاد و حفاظت کنند (Rezai, 1998: 2). نسل سوم حقوق بشر، در اواخر قرن بیستم بروز و ظهور پیدا کرد. حق توسعه، حق صلح، حق

محیط زیست سالم، حق بر ارتباطات، میراث مشترک بشریت (شامل منابع زمینی، دریایی و هوایی)، حق ارتباطات و کمک‌های بشردوستانه (بدون در نظر گرفتن اهداف سیاسی)، حق تعیین سرنوشت، حق مردمان بومی و غیره از جمله حقوق نسل سوم هستند (باقی، ۱۳۸۹). بنابراین، می‌توان دریافت که شالوده‌های فکری نظام نومحافظه‌کاری و موازین حقوق بشری تفاوت‌هایی دارند. توضیح آنکه دید نومحافظه‌کاری به مسائل اجتماعی-سیاسی به این شرح است: اولاً، انسان‌ها به‌طور طبیعی از حیث انرژی و استعدادها گوناگون‌اند و هر طرحی برای همسطح کردن افراد جامعه بیهوده است؛ ثانیاً، وجود سلسله‌مراتب اجتماعی مطلوب است، زیرا اکثریت می‌توانند از رهبری اقلیت نخبه سود ببرند (پولادی، ۱۳۸۳:۲۰۷)؛ ثالثاً، با توجیه نابرابری اجتماعی، طبعاً نهاد مالکیت نیز پدیده‌ای طبیعی توجیه می‌شود و مالکیت بازتاب نابرابری‌های طبیعی است؛ رابعاً، نومحافظه‌کاری در برابر اندیشه آزادی و برابری اجتماعی و دموکراسی مقاومت کرده و در مقابل از رسوم سنت‌های نظم پیشین حمایت کرده است؛ خامساً، نومحافظه‌کاران بر قدرت و اقتدار سیاسی فراگیر دولت تأکید کرده‌اند (بشیریه، ۱۳۹۰:۱۸۲-۱۷۷).

در مقابل مدافعان حقوق بشر از زاویه‌ای متفاوت به امور اجتماعی و سیاسی می‌نگرند. اولاً، حقوق بشر حق مسلم هر انسانی بدون توجه به طبقه، شغل، مذهب، جنسیت و ملیت او می‌باشد [بنابراین بر برابری طبیعی اعتقاد دارد] و اصول حقوق بشر برای پیشبرد اهداف زندگی انسان‌ها ضروری است؛ ثانیاً، حقوق بشر جهانشمول و فراگیرند و مختص به یک طبقه خاص نیستند و ضد سلسله‌مراتب اجتماعی‌اند؛ ثالثاً، حقوق بشر خاصه حقوق اقتصادی، غیر قابل فسخ هستند و هیچ دولتی نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد؛ رابعاً، اصول حقوق بشر پویا هستند و مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و توسعه سیاسی جاری درون یک کشور را شامل می‌شوند؛ خامساً، حقوق بشر قدرت دولت‌ها را در عرصه داخلی و بین‌المللی محدود می‌کند (University of Mumba, 2013:2-5). مدل زیر، تضاد بین اصول نومحافظه‌کاری و موازین حقوق بشری نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی را نشان می‌دهد.



۲. جایگاه آمریکا در ارتقای نسل‌های سه‌گانه حقوق بشری

در جهان امروز، یکی از مشخصه‌های نظام بین‌الملل، حمایت جهانی از حقوق بشر است که دوری و نزدیکی از آن بر حیثیت و اعتبار دولت‌ها نزد دیگر بازیگران بین‌المللی اثر مستقیم دارد. این مسئله موجب می‌شود تا بسیاری از کشورها در سیاست داخلی و خارجی خود حقوق بشر را لحاظ کنند؛ به‌گونه‌ای که ادارات حقوق بشر در وزارت خارجه بسیاری از کشورها ایجاد شده است و دولت‌ها همواره مسئله حقوق بشر را در نسل‌های متفاوت بررسی می‌کنند (ذاکریان، ۲۱:۱۳۷۸). از این رو، نقش آمریکا در اقدامات مؤثر در زمینه حقوق بشر را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

حمایت قانون اساسی آمریکا از آزادی بیان و عقیده بازتاب این اندیشه است که توانایی افراد در بیان آزادانه عقاید خود بدون ترس از مجازات حکومت، به استقلال و آزادی و همچنین مشروعیت حاکمیت منجر می‌شود. اجازه دادن به شهروندان برای ابراز آشکار نگرانی‌های عمومی؛ شفافیت، ثبات اجتماعی، تحمل عقاید یکدیگر و حکومت نماینده‌سالار را موجب می‌شود (Embassy of US, 2009:1). این عقیده در عمل به‌خوبی در جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی آمریکا، منعکس شده است.

تقریباً حدود یک‌ونیم میلیون سازمان غیردولتی در آمریکا مشغول به کارند. این سازمان‌ها گستره وسیعی از فعالیت‌ها همچون انتخابات، محیط زیست، حقوق زنان، مسائل بهداشتی و درمانی، توسعه اقتصادی، مخالفت و حمایت در ارتباط با سیاست خارجی و داخلی را دربرمی‌گیرند. همچنین بسیاری از سازمان‌های غیردولتی در زمینه‌هایی که به سیاست مربوط

نیست، فعالیت می‌کنند. به‌طور کلی، هر گروه از افراد ممکن است گرد هم آیند و یک سازمان غیررسمی را به‌منظور منافع مشترک یا ایده‌های مشابه، بدون هر گونه دخالت یا تأیید دولت، به‌وجود آورند (U.S. Department of State, 2012).

در عرصه بین‌المللی نیز، آمریکا باور دارد که نقشی اساسی در توسعه و حمایت از ایده حقوق بشر داشته است. اعلامیه استقلال که توسط آن سرسپردگی مستعمره‌های آمریکا به پادشاهی بریتانیا به پایان رسید، در سال ۱۷۷۶م اعلام داشت: که «همه مردم آزاد آفریده شده‌اند». همچنین بعد از جنگ اول جهانی رئیس‌جمهور آمریکا، وودرو ویلسون، از خودمختاری دولت‌ها و حمایت از اقلیت‌ها دفاع کرد. پس از جنگ جهانی دوم آمریکا سرمایه‌گذاری و تلاش‌های شایان ملاحظه‌ای را برای تقویت دموکراسی در اروپا و ژاپن انجام داد (America gov, 2014:20-29).

باید پذیرفت که در تمام کشورهای جهان نقض حقوق بشر صورت می‌پذیرد. اما آنچه موقعیت ایالات متحده را متمایز می‌سازد، وجود ساختارهای فکری نهادینه‌شده نومحافظه‌کاری در تصمیم‌گیری‌های حکومتی سیاستمداران آمریکایی است که بدون بررسی آنها تحلیل همه‌جانبه میزان رعایت وضعیت حقوق بشر در داخل جامعه آمریکا و محیط بین‌المللی، از معیارهای علمی دور می‌شود. ضمن اینکه تأثیر عملی همین تفکرات، مانعی ساختاری برای تحقق خواست سازمان‌های مردم‌نهاد حقوق بشری در آمریکا و جهان هستند.

۳. بنیادهای اعتقادی رهبران نومحافظه‌کار آمریکا در قبال موازین حقوق بشری

جنبش نومحافظه‌کاری در جهان از اواسط دهه ۳۰ میلادی در سیتی کالج نیویورک در گردهمایی روشنفکران چپ ضد استالین آغاز شد. اما محافظه‌کاری نو در واکنش به سیاست جدید (اصلاحات بانکی و مالی، برنامه‌های کمکی گوناگون برای بیکاران، قانون تأمین اجتماعی و غیره) فرانکلین روزولت در دهه ۱۹۳۰م شکل گرفت. نقطه اوج نومحافظه‌کاران در آمریکا، به‌طور سازمان‌یافته از سال ۱۹۹۷م و تأسیس «پروژه قرن نو آمریکایی» آغاز می‌شود. این سازمان با هدف ایجاد اتحاد بین گروه‌های مختلف محافظه‌کار آمریکایی و بازیافت دوره رونالد ریگان توسط ویلیام بیل کریستول و رابرت کگان تأسیس شد (جوان‌شهرکی، ۱۳۸۷:۱۷۱). به نوشته بشیریه، عنوان راست نو درباره سیاست‌های حزب محافظه‌کار تاجر در انگلستان و حزب جمهوری‌خواه آمریکا در دوره ریگان به‌کار رفته است (بشیریه، ۱۳۹۰:۱۸۶). اما این موضوع به این معنا نیست که بیل کلینتون و باراک اوباما که از حزب دموکرات هستند، نومحافظه‌کار نیستند. توضیح آنکه، نومحافظه‌کاری یک نظام سیاسی و اجتماعی-اقتصادی است که در واکنش به نظام سیاسی و اجتماعی «رفاهی» یا «ارشادی» که در سال‌های پس از جنگ جهانی

دوم، در غرب و آمریکا به وجود آمد، شکل گرفته و عناصری از نئولیبرالیسم را نیز در خود آمیخته است. از این رو اگرچه ریشه‌های فکری آن به سال‌های دور بازمی‌گردد، با این حال محافظه‌کاری نو در آمریکا اخیراً با جناح راست حزب جمهوری‌خواه [که بر ایند آن به قدرت رسیدن بوش بود] پیوند بیشتری یافت (بشیریه، ۱۳۹۰:۱۸۸). بنابراین با توجه به حضور شایان توجه نومحافظه‌کاران در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی آمریکا، تا زمان حاضر دولت‌های آمریکا یکی پس از دیگری مجری سیاست‌ها و راهبردهای دولت ریگان بوده‌اند (حیدری و رهنورد، ۱۳۸۸: ۱۲۰-۹۱). در ادامه مهم‌ترین اصول عقیدتی نومحافظه‌کاران آمریکایی نسبت به حقوق بشر بررسی می‌شود.

۳.۱. نسل اول حقوق بشر (حقوق مدنی و سیاسی)

پایور به نقل از مارتین لپست می‌نویسد: نومحافظه‌کاران در میانه دهه ۱۹۶۰م به جنبش حقوق مدنی و لوایحی که در این زمان به اجرا درمی‌آمد، واکنش منفی نشان داده و در ارزیابی خود از سیاه‌پوستان و اقلیت‌های دیگر قومی که در نهضت حقوق مردمی شرکت داشتند، تبعیض نشان می‌دادند. برای نمونه نومحافظه‌کاران سیاه‌پوستانی را که دست به اعتراض می‌زدند، حیوان می‌خواندند (پایور، ۱۳۸۳: ۷). آنها همچنین معتقدند اجرای برنامه‌هایی مانند انتقال دانش‌آموزان سیاه‌پوست همراه با دانش‌آموزان سفید در اتوبوس برای کاهش گرایش‌های نژادپرستانه، کاری بی‌فایده است. آنها هدف خود را از این مخالفت، حراست از سلامت جامعه عنوان می‌کنند. آنها همچنین شدت مجازات جنایتکاران آمریکایی را ناکافی می‌دانند و معتقدند که دولت مجرمان را با شدت کافی تنبیه نمی‌کند (پایور، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۴).

این نگاه سلسله‌مراتبی نومحافظه‌کاران به اقلیت‌های اجتماعی، سال‌های سال است که از نقش توده‌های مردم در قدرت سیاسی نیز، کاسته است. آمریکا نمونه‌ای از جامعه‌ای است که بیشترین قدرت آن در دست تعداد محدودی از افراد است. در سال ۱۹۹۵م از ۲۸۱ میلیون آمریکایی حدود ۷۳۱۴ نفر در خصوص مسائل مهم مملکتی تصمیم می‌گرفتند. این افراد نیمی از عواید بانک‌ها، سه‌چهارم درآمد شرکت‌های بیمه، شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری در وال‌استریت را دارند و شبکه‌های تلویزیونی را اداره می‌کنند و این حقیقتی است که از قدرت به نام مردم استفاده می‌شود. از طرفی، زمانی وظیفه دولت تنها ایجاد نظم و امنیت، حراست از مال و اموال افراد و مقابله با تهدیدهای خارجی بود، امروزه این مسئولیت بسیار گسترده‌تر شده است و دولت بر همه جنبه‌های زندگی شهروندان تأثیر و نظارت دارد (دادپور، ۱۳۹۲: ۴۳۷).

۳.۲. نسل دوم حقوق بشر (حقوق اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی)

از لحاظ اقتصادی، نومحافظه‌کاران از کاهش مالیات حمایت می‌کنند و معتقدند که بودجه

دولت و همزمان با آن بدهی‌های دولت از حد قابل قبول فراتر رفته است و برای تصحیح این امر باید اصلاحات صورت گیرد. به نظر نومحافظه‌کاران دولت باید از تنظیم بازار آزاد خودداری کند و به همین ترتیب دولت باید از گسترش هزینه‌هایی که صرف پرداخت حقوق و همچنین مقرری بازنشستگی کارمندان دولت می‌شود و همین‌طور مساعدت بی‌جا به افرادی که برای تأمین معاش خود به پرداخت‌های رفاهی دولت وابسته‌اند، سر باز زند (پایور، ۱۳۸۳: ۱۳).

از همین رو، از اواخر دهه ۱۹۷۰ [مقارن با به قدرت رسیدن نومحافظه‌کاران]، در عمل تمام سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی و خصوصی به ارتقای سطح درآمد ۲۰ درصد از خانوارهای مرفه انجامیده است. نتیجه آنکه در سال ۱۹۹۸م، ۱ درصد از خانوارهایی که در بالاترین سطح رفاه قرار داشتند، دارای ۳۸ درصد از کل ثروت آمریکا بودند. توزیع ثروت در آمریکا بسیار ناعادلانه‌تر از سایر کشورهای پیشرفته است. تا پیش از دهه ۱۹۷۰ میلادی [قبل از زمامداری نومحافظه‌کاران] آمریکا دارای توزیع ثروت عادلانه‌تری نسبت به انگلستان و حتی سوئد بود. اما در ۳۰ سال گذشته نابرابری اقتصادی در آمریکا به شدت افزایش یافته است؛ دلیل آن نیز به سیاست‌های مالیاتی و تأمین اجتماعی آمریکا مربوط می‌شود. در آمریکا نسبت به دیگر کشورهای صنعتی میزان اخذ مالیات از مردم بسیار کمتر است؛ در نتیجه ثروتمندان توانسته‌اند پس‌انداز بیشتری داشته باشند. همچنین باید در نظر داشت که دولت واشنگتن، سیاست حمایت گسترده از اقشار کم‌درآمد و فقیر جامعه را تصویب و اجرا نکرده است (لطفیان، ۱۳۹۱: ۷). نومحافظه‌کاری از لحاظ اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی، محافظه‌کار است و از حفظ نابرابری‌های طبیعی، جلوگیری از گسترش حقوق اجتماعی شهروندان، دولت نیرومند و تضعیف اتحادیه‌های کارگری دفاع می‌کند و از لحاظ اجتماعی نیز با کار زنان خانه‌دار و آزادی‌های جنسی و جنبش فمینیسم مخالفت می‌ورزد (بشیریه، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

۳.۳. نسل سوم حقوق بشر (صلح‌مداری)

نومحافظه‌کاران، به برتری آمریکا چه از نظر ارزش‌ها و چه از نظر قدرت باور دارند. فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی و چیزی که نومحافظه‌کاران آن را شیوه زندگی آمریکایی می‌دانند، اصلی‌ترین نیرویی است که به اندیشه نومحافظه‌کاران شکل و انسجام می‌بخشد. به باور این گروه قدرت آمریکا از همه قدرت‌های جهان برتر است و آمریکا توانایی و ارزش‌های لازم برای ایجاد گونه‌ای نظم تازه و مورد نیاز در سطح جهانی را دارد. از این‌رو آمریکا باید یک دشمن اخلاقی در سطح بین‌المللی برای خود بترشد؛ زیرا ملت آمریکا ملتی بی‌مانند است و رسالت تاریخی آن چیرگی بر جهان است (موسی‌نژاد و حسین‌پور، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۳). برای نمونه، ریگان شوروی را مرکز شرارت و امپراتوری شیطنی می‌خواند و یا جرج بوش در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

اظهار داشت: «... مسئولیت ما در قبال تاریخ روشن است: پاسخ به این حملات و پاکسازی جهان از شیاطین. جنگ ما با فریبکاری، نیرنگ و قتل آغاز شده است. این ملت صلح طلب است، اما زمانی که خشمگینانه برانگیخته شود، بی‌رحم خواهد بود» (گوهری‌مقدم، ۱۳۸۹: ۵۶-۵۴). مایکو به نقل از منتقدان نومحافظه‌کاران می‌نویسد: سیاست بوش بر این بود که اعضای القاعده پس از حادثه ۱۱ سپتامبر دستگیر و محاکمه شوند؛ چراکه آنها دشمن بشریت هستند. حتی با پذیرش این فرض که این افراد شیطان (Evil) و دشمن جهانیان هستند، آیا آنها نباید از اساسی‌ترین حقوق خود در زندان‌ها برخوردار باشند؟ بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری معتقدند که سیاست مبارزه با تروریسم نومحافظه‌کاران آمریکایی، تأثیرات ناگواری بر حقوق غیرنظامیان، حقوق بشر و حقوق بین‌الملل گذاشته است (Mikko, 2007: 4-30).

۴. تخلفات حقوق بشری در دوره زمامداری نومحافظه‌کاران آمریکایی

بعد از آشنایی با مبانی عقیدتی نومحافظه‌کاران آمریکایی در زمینه حقوق بشر، در ادامه نمود عینی اندیشه‌های مزبور به شکل نقض حقوق بشر در قالب نسل‌های سه‌گانه حقوق بشری ارائه خواهد شد. پیش از بررسی موارد نقض حقوق بشر در آمریکا باید گفت که تمامی مواردی که در ادامه بررسی می‌شوند، موضوع آنها برگرفته از گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری هستند؛ از این رو مواردی همچون دخالت آمریکا در کودتاهای جای جای جهان (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۸۴)، نپیوستن این کشور به کنوانسیون‌های مربوط به محیط زیست (پوراحمدی و محمدی‌لرد، ۱۳۹۰: ۱۴۴-۱۲۹)، تحریم غیرقانونی کشورها و ... که عمدتاً در نسل سوم موازین حقوق بشری جای می‌گیرند، از چشم این گزارش‌ها به دور بوده‌اند.

۴.۱. تخلفات در زمینه نسل اول حقوق بشر (حقوق مدنی و سیاسی)

در این زمینه باید تخلفاتی از جمله تبعیض نژادی، نقض حقوق زندانیان، شنود مکالمات تلفنی و کنترل فضای مجازی شهروندان را برشمرد.

۴.۱.۱. تبعیض نژادی (نقض حقوق سیاه‌پوستان)

در ایالات متحده پس از سفیدپوستان، آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار مهم‌ترین نژاد هستند. سیاهان حدود ۱۳ درصد از کل جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند، در حالی که ۲۸ درصد از کل آمار بازداشتی‌ها و ۴۰ درصد از زندانیان آمریکا مربوط به آنهاست و ۴۲ درصد از این زندانیان محکوم به مرگ هستند (Hartny and Voang, 2009: 2). در سال ۲۰۱۲، ۳۱۳ سیاه‌پوست بدون محاکمه توسط پلیس و مأموران امنیتی کشته شدند. در حالی که ۴۶ درصد از آنها مسلح نبودند.

۲۵ نفر از این افراد نوجوان بودند و زیر ۱۸ سال سن داشتند و ۵۷ نفر ۱۸ تا ۲۱ ساله بودند. در سال ۲۰۱۳م، تقریباً هر ۲۸ ساعت یک سیاه‌پوست در آمریکا به قتل می‌رسید. پلیس و دیگر قاتلان، با این استدلال که چاره‌ای جز استفاده از نیروی مرگبار نداشته‌اند، قتل خود را توجیه می‌کنند. به‌علاوه تبعیض علیه سیاه‌پوستان در سراسر نظام‌های قضایی، آموزشی و اقتصادی کاملاً مشهود است (Malcolm X Grassroots Movement, 2013:29-3).

در ۹ اوت ۲۰۱۴ در شهر فرگوسن آمریکا، نوجوانی به نام مایکل براون پس از آنکه حداقل شش مرتبه هدف شلیک قرار گرفت، جان باخت. براون مسلح نبود و سوءسابقه نیز نداشت. این حادثه ناآرامی‌های زیادی را در شهر فرگوسن برافروخت، بیشتر به این دلیل که معترضان، نژادپرستی را عاملی دخیل در تیراندازی می‌دانستند. عفو بین‌الملل در این زمینه گزارش داد که براون مسلح نبود؛ پس بعید بود که او تهدیدی جدی علیه پلیس باشد (Amnesty International, 2014). در جدول زیر تعداد مقتولان سیاه‌پوست، لاتین‌تبار و سفیدپوست به دست پلیس در سال ۲۰۱۲م، در دوره حاکمیت اوباما مقایسه شده است.

شهر	درصد سیاه‌پوستان در جمعیت	درصد مقتولان سیاه توسط پلیس	درصد اقلیت لاتین در جمعیت	درصد مقتولان لاتین توسط پلیس	درصد غیرلاتینی‌ها در جمعیت	درصد مقتولان سفید و غیرلاتینی‌ها
شیکاگو	۳۲/۹	۹۱	۲۸/۹	۴	۳۱/۷	۴
هوستون	۲۳/۷	۴۸	۴۳/۸	۱۲	۲۵/۶	-
نیویورک	۲۸/۶	۸۷	۲۵/۵	۹	۳۳/۳	۴
راکفرد	۲۰/۵	۱۰۰	۱۵/۸	۰	۵۸/۴	۰
سگینا	۴۶/۱	۱۰۰	۱۴/۳	۰	۳۷/۵	۰

Source: (Malcolm X Grassroots Movement, 2013:17).

۴.۱.۲. نقض حقوق زندانیان

ایالات متحده بیش از دو میلیون و چهارصد هزار نفر زندانی دارد که این تعداد از زمان زمامداری نومحافظه‌کاران (۱۹۸۰)، چهار برابر شده است. در این کشور از هر ۱۰۰ نفر ۱ نفر در زندان است (Klein and Soltas, 2013). از همین‌رو، گذشته از علل سبب صعودی تعداد زندانیان در آمریکا، نقض حقوق این افراد در زندان به‌عنوان شهروندان ایالات متحده، همواره مورد توجه نهادهای حقوق بشری بوده است.

به گزارش عفو بین‌الملل، هزاران زندانی در کالیفرنیا در جولای و اکتبر ۲۰۱۲ به‌علت اعتراض به شرایط ظالمانه سلول‌های انفرادی کوچک، اعتصاب غذا کردند. این سلول‌های کوچک بتنی بدون پنجره واقع در خلیج پلیکان، بیش از ۱۰۰ هزار زندانی را برای مدت ۲۲،۵ ساعت در روز در خود جای داده‌اند. حداقل بیش از ۵۰۰ زندانی ۱۰ سال و ۷۸ زندانی به

مدت ۲۰ سال همراه با اعتصاب غذا، این شرایط را گذرانده‌اند (Amnesty Internationa, 2012:359). در سال ۲۰۱۳ این نهاد حقوق بشری در گزارش خود می‌آورد، اکنون آمریکا بیشترین تعداد زندانی را در طول تاریخ خود حبس کرده است. هزاران زندانی به امنیتی‌ترین شکل ممکن محبوس شده‌اند. آنها برای ۲۲ تا ۲۴ ساعت در روز در سلول محبوس‌اند، بدون اینکه از نور کافی، تحرک لازم یا برنامه‌های توانبخشی، برخوردار باشند. چنین شرایطی علاوه بر اینکه تخطی از استانداردهای بین‌المللی است، در بعضی از موارد ظالمانه، ضدبشری و خفت‌بار است (Amnesty Internationa, 2013:289).

۳.۱.۴. نقض حریم خصوصی شهروندان (کنترل فضای مجازی و استراق سمع)

براساس اسناد مذکور محرمانه که توسط ادوارد اسنودن پیمانکار اسبق آژانس امنیت ملی آمریکا (National security Agency)، فاش شد، این نهاد امنیتی به‌طور مستمر بسیاری از فضاهای مجازی آنلاین، شامل اطلاعات شخصی و پست‌های الکترونیک میلیون‌ها نفر از مردم آمریکا را بررسی می‌کند. ایالات متحده آمریکا سالانه ۲۵۰ میلیون دلار بر روی برنامه‌هایی برای جاسوسی در فضای مجازی، به آژانس امنیت ملی کمک می‌کند (Ball and Others, 2013:2-10). اقدام این نهاد امنیتی به‌منزله نقض آزادی بیان در آمریکاست.

در سال ۲۰۰۵ مسئله استراق سمع به‌وسیله دولت آمریکا موجب نگرانی شهروندان شد. در طول ریاست جمهوری بوش پسر، دولت از طریق رمزگشایی پست‌های الکترونیک و استراق سمع از تماس‌های تلفنی، عملاً به حریم شخصی شهروندان تجاوز کرد که نارضایتی بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد در این کشور را در پی داشت. بوش حتی موفق شد، تحقیقات وزارت دادگستری در زمینه موضوع استراق سمع را متوقف کند. با وجود نارضایتی مردم آمریکا از شنود مکالمات تلفنی، در جولای ۲۰۰۹، دولت باراک اوباما در سان‌فرانسیسکو از عملکرد دولت بوش در این زمینه دفاع کرد. اگرچه جزییات این پرونده برای عموم فاش شد، اداره بازرسی کل اعلام کرد که برنامه استراق سمع برای امنیت آمریکا ارزشمند بوده است (Mullikin and Rahman, 2010:35-37).

۲.۴. نسل دوم حقوق بشر (نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)

براساس معیارهای نسل دوم حقوق بشر در این قسمت بحران مسکن، ضعف نظام درمانی، نقض حقوق مهاجران آمریکا و نقض حقوق زنان در آمریکا بررسی می‌شود.

۲.۴.۱. بحران مسکن و ضعف در نظام درمانی آمریکا

همان‌طور که بحران‌های مالی ریشه در مسائل اقتصادی دارند، بحران‌های اقتصادی در سراسر

زندگی بشر به‌خصوص مردم فقیر، زنان و کودکان، مهاجران و اقلیت‌ها تأثیراتی مخرب دارند. بحران‌های اقتصادی طیف گسترده‌ای از تهدیدهای حقوق بشری هستند که شامل مسائل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مانند داشتن حق زندگی مناسب، حق بهداشت، مسکن و مواد غذایی می‌شوند. در این زمینه باید گفت، در مورد ایالات متحده آنچه این حقوق را تهدید می‌کند و موجب بروز بحران‌های اقتصادی می‌شود، منافع سرمایه‌داران و تجار است. آنها در نظام فعلی آمریکا ضمن اینکه از نفوذ خود جهت جلوگیری از ایجاد اصلاحات ضروری در نظام اقتصادی و اجتماعی جلوگیری می‌کنند، دولت را نیز به‌شدت به خود وابسته کرده‌اند (Center for Economic and Social Rights, 2009:2-5).

از همین رو، سازمان مردمی اتحاد ملی برای پایان بی‌خانمانی در سال ۲۰۱۴م، گزارش داد که تعداد زیادی از خانواده‌های فقیر آمریکایی در این سال بار سنگین اجاره مسکن را تجربه کرده و بیش از ۵۰ درصد از درآمد آنها صرف پرداخت اجاره مسکن شده است. این سازمان می‌افزاید فقر و بیکاری در آمریکا از عوامل اصلی بی‌خانمانی هستند (National alliance to end Homelessness, 2014:10-70).

به گزارش وزارت مسکن و توسعه شهری آمریکا در ژانویه ۲۰۱۳، ۶۱۰۰۴۲ نفر بی‌خانمان در ایالات متحده، وجود داشت. ۳۹۴۶۹۸ نفر بی‌خانمان در پناهگاه‌ها زندگی می‌کردند و ۲۱۵۳۴۴ نفر بی‌خانمان در مکانی غیر از پناهگاه‌ها زندگی می‌کردند. ۱۰ شهر اصلی آمریکا بیشترین تعداد از بی‌خانمان‌ها را در خود جای داده‌اند که تقریباً ۳۰ درصد از کل جمعیت بی‌خانمان‌های آمریکا را تشکیل می‌دهند (US Department of Housing, 2013:5-18). درحالی‌که به نقل از گزارشگر عفو بین‌الملل، از سال ۲۰۰۷م بانک‌ها حدود ۸ میلیون مسکن را مصادره کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شد که تا دو برابر این تعداد نیز تا قبل از پایان بحران مالی در آمریکا مصادره کنند. این رویکرد برای حل بحران مسکن به این معناست که بسیاری از خانواده‌های آمریکایی از مسکن مناسب و مطمئن برخوردار نیستند. به‌علاوه حدود ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در آمریکا بی‌خانمان هستند؛ درحالی‌که ۱۸,۵ میلیون مسکن بدون سکنه در این کشور وجود دارد (Loha, 2011).

ایالات متحده تنها کشور صنعتی جهان است که از یک نظام سراسری بیمه‌های درمانی برخوردار نیست. در سال ۲۰۱۲م، ۱۵,۴ درصد از مردم فاقد بیمه‌های درمانی بودند. تعداد افراد بیمه‌نشده در این سال ۴۸ میلیون نفر بود که ۶ میلیون و ۶۰۰ هزار از آنها کودک بودند (Walt and others, 2013:23-28) از طرفی مسبب نیمی از ورشکستگی‌ها در آمریکا پرداخت صورت‌حساب‌های بهداشتی و درمانی است (افقی و صیدیمزادی، ۱۳۹۱:۳). براساس گزارش سازمان دیدبان حقوق بشر در سال ۲۰۱۴م، ۱۶ ایالت آمریکا از گسترش خدمات پزشکی تحت پیمان مراقبت مقرون به صرفه (Affordable Care Act) و حق بهداشت برای فقرا، آمریکایی‌های

آفریقایی تبار و دیگر گروه‌هایی که به مراقبت‌های پزشکی نیاز دارند، جلوگیری کردند. ویروس ایدز همچنان به شکل نامتناسبی اقلیت‌ها، مردان همجنس‌باز و زنانی را که تغییر جنسیت داده‌اند، تهدید می‌کند و نه تنها بسیاری از ایالت‌های آمریکا درصدد رفع این شرایط نیستند، بلکه به تضعیف حقوق بشر از طریق حمایت‌های ناکافی از افراد بیمار، دامن می‌زنند (Human Rights Whatch, 2014).

۲.۲.۴. نقض حقوق مهاجران

در ایالات متحده حدود ۲۵ میلیون مهاجر وجود دارد که ۱۲ میلیون نفر از آنها غیرقانونی و بدون مجوز اقامت در این کشور زندگی می‌کنند. در حال حاضر تعداد زیادی از بازداشتگاه‌های اداره مهاجرت هر ساله حدود ۴۰۰ هزار مهاجر را در خود جای می‌دهند. صدها نفر از بازداشت‌شدگان در سلول‌های انفرادی محبوس‌اند. در سپتامبر ۲۰۱۴ اداره مهاجرت و گمرک آمریکا اعلام کرد که استفاده از سلول‌های انفرادی محدود خواهد شد، اما هیچ محدودیتی در استفاده از این سلول‌ها مشاهده نشد. به‌علاوه مهاجران از لحاظ بدرفتاری در محیط شغلی، و دیگر امور اجتماعی محدودیت‌های زیادی دارند (Human Rights Whatch, 2014). علاوه بر مواردی که سازمان دیدبان حقوق بشر به‌عنوان نقض حقوق مهاجران عنوان می‌کند، می‌توان به موارد دیگری نیز اشاره داشت.

اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا در گزارشی می‌آورد که تا سال ۲۰۱۲، ۵۶۰۰ مهاجر در تلاش برای عبور از مرز آمریکا و مکزیک در نتیجه اجرای سیاست بازدارندگی مرگبار ایالات متحده جان خود را از دست داده‌اند. براساس این سیاست تعمدی ایالات متحده، مهاجران غیرقانونی باید از مناطقی از مرز عبور کنند که بسیار پرخطرند. به همین دلیل در مرز میان آمریکا و مکزیک، به‌طور میانگین روزانه یک نفر کشته می‌شود که پیش‌بینی می‌شود که حدود ۱۱ درصد از این افراد کودک هستند (American Civil Liberties Union, 2012:4).

یکی از مواردی که سبب شده است دولت آمریکا حقوق مهاجران را نقض کند، حادثه ۱۱ سپتامبر است. در این زمینه اتحادیه آزادی‌های اجتماعی نیویورک می‌نویسد: حکومت بعد از این حادثه شروع به بازداشت خودسرانه و بازجویی از صدها و احتمالاً هزاران نفر از مهاجران کشورهای مسلمان، عرب و کشورهای جنوب آسیا بدون هیچ‌گونه مدرکی دال بر شرکت در فعالیت‌های تروریستی، کرده است. بسیاری از آنها ماه‌ها در بازداشت به سر می‌بردند. تعدادی مورد شکنجه‌های روحی و فیزیکی قرار می‌گیرند و بسیاری نیز تبعید می‌شوند (New York Civil Liberties Union, 20014:3).

۳.۲.۴. نقض حقوق زنان

به گزارش شبکه ملی بررسی تجاوز، آزار و زنا با محارم آمریکا، در هر دو دقیقه یک زن مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد و در هر سال به‌طور میانگین ۲۳۷ هزار و ۸۶۸ زن، قربانی خشونت جنسی می‌شوند. به ۱۷ میلیون و ۷۰۰ هزار زن آمریکایی یا به‌طور کامل تجاوز جنسی شده است یا حداقل مورد سوء قصد قرار گرفته‌اند. ۶۰ درصد موارد خشونت جنسی به پلیس گزارش نمی‌شود و در بیشتر موارد زمانی که مجرم معرفی می‌شود، دستگیر و محاکمه نمی‌شود. ۶۰ درصد قربانیان خشونت جنسی کمتر از ۱۸ سال و ۸۰ درصد آنها کمتر از ۳۰ سال دارند (Abuse and Incest National Network, 2013).

براساس آمار وزارت دفاع آمریکا در سال ۲۰۱۳م، به‌طور میانگین هر ساله حدود ۱۹ هزار خشونت جنسی در ارتش این کشور رخ می‌دهد. در مورد خشونت جنسی در ارتش و در سطح مردم در ایالات متحده جزئیات دقیقی وجود ندارد؛ چراکه کمتر از ۲۰ درصد از خشونت‌های جنسی علیه زنان به پلیس گزارش می‌شود و حتی مواردی که گزارش می‌شود به‌درستی دادرسی نمی‌شوند. برای مثال تحقیقات سازمان دیدبان حقوق بشر نشان می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱م، تعداد زیادی از قربانیان، تهاجم جنسی علیه خود را به پلیس در ناحیه کلمبیا گزارش دادند، اما پس از مدتی دریافتند که پرونده آنها بدون بررسی بسته شد (Human Rights Watch, 2013:649). در سال ۲۰۱۴م نیز، زنان نظامی آمریکا با سطح بالایی از خشونت جنسی مواجه بودند. دولت آمریکا تخمین زده است که حدود ۲۶ هزار مورد تهاجم جنسی در ارتش این کشور رخ داده است (Human Rights Watch, 2014).

۳.۴. نسل سوم حقوق بشر (نقض صلح در عرصه بین‌المللی)

در این زمینه نقض حقوق زندانیان گوانتانامو، نقض حقوق غیرنظامیان پاکستانی و یمنی در اثر حملات موشکی پهبادهای آمریکایی و کمک به تروریسم در سوریه، مثال‌زدنی هستند.

۱.۳.۴. نقض حقوق زندانیان گوانتانامو

در ۱۱ ژانویه ۲۰۰۲، زندان گوانتانامو برای نگهداری از بازداشت‌شدگان پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، در قالب طرح «جنگ علیه ترور» تأسیس شد. دولت بوش استدلال می‌کرد که دادگاه‌های فدرال صلاحیت بررسی پرونده‌های این افراد را ندارند. به دستگیرشدگان به‌جای زندانیان جنگی برچسب «شورشیان قانون‌شکن» زده شد. از همین رو، حقوق اساسی این زندانیان که توسط کنوانسیون ژنو تضمین شده است، همواره نقض می‌شود. دیوان عالی آمریکا بارها هشدار داده که سیاست بوش در زندانی کردن این افراد نقض قانون اساسی آمریکاست (National Religious Campaign against Torture).

به گزارش سازمان دیدبان حقوق بشر در سال ۲۰۱۴م، بازداشت بدون اتهام یا محاکمه بازداشت‌شدگان در گوانتانامو با ۱۶۲ زندانی وارد دوازدهمین سال شد. اگرچه باراک اوباما تعهد خود در مورد بستن زندان گوانتانامو را در ماه می دوباره تکرار کرد، اما تا هنگام نگارش این مطلب او تنها هشت تن از زندانیان را از سال ۲۰۱۱م از این زندان منتقل کرده است که چهار تن از آنان در ماه اوت و دو نفر دیگر در ماه دسامبر به کشور خود الجزایر بازگردانده شدند. در اوایل سال ۲۰۱۳م، چند تن از زندانیان اعتصاب غذا کردند. در اوج این اعتصاب، ۱۰۶ نفر به شیوه‌های مختلف در این اعتصاب شرکت کردند، که ۴۵ نفر دو بار در روز توسط لوله تغذیه اجباری می‌شدند. [این نوع تغذیه اجباری زندانیان با خونریزی همراه است] از این رو، تعدادی زیادی از گروه‌های حقوق بشری به تغذیه اجباری زندانیان معترض شدند و آن را نقض اخلاق پزشکی و هنجارهای حقوق بشر دانستند (Human Rights Watch, 2014).

۲.۳.۴. کشتار غیرنظامیان پاکستانی و یمنی در اثر حملات موشکی پهبادهای آمریکایی

طی دهه اخیر حمله موشکی پهبادهای آمریکایی علیه گروه‌های تروریستی در یمن و پاکستان به کشته شدن تعدادی از غیرنظامیان نیز، منجر شده است. همین مسئله سبب شده تا بسیاری از سازمان‌های حقوق بشری به این وضعیت معترض شوند. سازمان دیدبان حقوق بشر در گزارشی جداگانه در سال ۲۰۱۴م می‌نویسد: در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۳، بر اثر حمله یک پهباد آمریکایی به ۱۱ خودرو که پشت سر هم در یک جشن عروسی حرکت می‌کردند، ۱۲ مرد کشته و حداقل ۱۵ نفر دیگر از جمله عروس، زخمی شدند. در این زمینه مقامات آمریکایی و یمنی اظهار داشتند که افراد مزبور گروه‌های مسلح القاعده در شبه‌جزیره عربستان بودند، اما در اثر تحقیقات دیدبان حقوق بشر از شاهدان و اقوام کشته‌شدگان مشخص شد که آنها غیرنظامی بوده‌اند (Human Rights Watch, 2014:29). این وضعیت در مورد پاکستان وخیم‌تر است.

به گزارش پایگاه مجازی امنیت بین‌الملل به‌طور کلی تا ۳۰ اکتبر ۲۰۱۴، پهبادهای آمریکایی ۳۸۷ بار به پاکستان حمله کرده‌اند. بین ۲۱۷۸ تا ۳۵۵۳ نفر در اثر این حملات جان باخته‌اند. از این تعداد ۱۷۲۱ تا ۲۹۱۲ نفر از اعضای گروه‌های تروریستی و ۲۰۸ تا ۳۰۷ نفر غیرنظامی بوده‌اند و بین ۱۹۹ تا ۳۳۴ نفر مجهول‌الهویه‌اند (International Security, 2014). آمار مرکز تحقیقاتی پیو نشان می‌دهد که در اثر این حملات ۷۴ درصد از مردم پاکستان، آمریکا را دشمن خود می‌پندارند و از حمله پهبادهای آمریکا به کشور خود ناراضی‌اند و آمریکا را ناقض صلح می‌دانند. تنها ۱۳ درصد از آنها روابط با آمریکا را مطلوب دانسته‌اند. (Pew Research Center, 2012:1-17)

۴.۳.۳. کمک به تروریست‌های سوریه

سازمان دیدبان حقوق بشر در انتقاد به سیاست خارجی آمریکا گزارش می‌دهد که در ژانویه ۲۰۱۴، قانونگذاران ایالات متحده در مورد فرستادن کمک‌های نظامی به نیروهای مخالف سوریه در جنگ داخلی این کشور تبادل نظر کردند. در ماه فوریه، دولت اعلام کرد که اعطای کمک‌هایی از جمله مواد غذایی و تجهیزات پزشکی را به نیروهای مخالف سوریه آغاز خواهد کرد (Human Rights Watch, 2014).

در این زمینه، خبرگزاران سی‌ان‌ان می‌نویسند: در واقع، دولت اوباما با برخی از رهبران پیشتاز مخالف سوریه ارتباط نزدیکی دارد و اختصاص منابع مالی به شورشیان در سوریه آشکارا و بی‌پرده صورت می‌گیرد. در تابستان ۲۰۱۳، کنگره منابعی را برای کمک به شورشیان سوریه تصویب کرد. همچنین دولت اوباما (۲۶ ژوئن ۲۰۱۴) از کنگره آمریکا خواست که کمک‌های مالی به حجم ۵۰۰ میلیون دلار را به منظور تجهیز و آموزش مخالفان بشار اسد تصویب کند. کیتلین هایدن، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا در توضیح این درخواست گفت که هدف از این کمک‌ها، تثبیت مناطقی است که در تصرف مخالفان است (Botelho and Brittain, 2014).

عفو بین‌الملل به تعداد کشته‌شده‌های سوری توسط مخالفان اشاره نمی‌کند، اما می‌نویسد: گروه‌های مسلح در سوریه در مناطق تحت تصرف خود جنایاتی مانند قتل، آدم‌ربایی، بازداشت خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری با دیگر اقلیت‌های مذهبی را مرتکب می‌شوند (Amnesty International, 2014).

نتیجه

در ورای نقض پایدار حقوق بشر در هر کشوری طرحی فکری وجود دارد که زیربنای آن را تشکیل می‌دهد. اساس اعتقادی نقض حقوق انسانها توسط دولت آمریکا در چند دهه اخیر تفکر نومحافظه‌کاری است. نومحافظه‌کاری به سلسله مراتب و نابرابری انسانها در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تاکید می‌کند؛ این در حالی است که موازین نسل‌های سه‌گانه حقوق بشری در مقابل این تفکر قرار دارند. مطابق نسل اول حقوق بشر، دولت‌ها نباید آزادی فردی، سیاسی و مدنی افراد و گروه‌های اجتماعی را سلب کنند. اما تبعیض نژادی به اشکال مختلف در آمریکا علیه سیاه‌پوستان وجود دارد و این قشر از جامعه آمریکا هم‌اکنون به اشکال مختلف همچنان شاهد نقض حقوق خود بوده‌اند. نمود عینی این مسئله در رفتار تبعیض‌آمیز نیروهای امنیتی و پلیس آمریکا با سیاهان است. در ارتباط با نسل اول، از سلب حقوق اساسی زندانیان نیز می‌توان نام برد. بسیاری از زندانیان که شهروند آمریکا می‌باشند، در سلول انفرادی زندانی می‌شوند که گاه هفته‌ها و ماه‌ها به طول می‌انجامد. بر اساس نسل دوم حقوق بشر،

دولتها باید تلاش خود را در جهت ایجاد برابری اقتصادی و اجتماعی به کار بندند. به دلیل عدم توانایی بسیاری از خانواده‌ها برای تأمین مسکن در آمریکا، بسیاری از خانوارها در این کشور در خیابان‌ها، و پناهگاه‌ها زندگی می‌کنند. در ایالات متحده چند صد هزار نفر بی‌خانمان وجود دارد، در حالی که حدود ۱۸ میلیون مسکن، بدون سکنه هستند. همچنین نهادهای حقوق بشری همواره بر نقض حقوق مهاجران در آمریکا تأکید می‌کنند. رفتارهای غیرانسانی، برخوردهای اهانت‌آمیز در سراسر زندگی اجتماعی مهاجران در آمریکا، نظام مهاجرت ایالات متحده را در تضاد با موازین اجتماعی حقوق بشر قرار می‌دهد. آمار رو به افزایش خشونت جنسی علیه زنان در جامعه و ارتش آمریکا، یکی دیگر از عوامل نگران‌کننده نقض حقوق بشر در این کشور است. صلح‌مداری و پاسداشت حقوق مردم سایر کشورها از مهمترین مولفه‌های نسل سوم حقوق بشر هستند که دولتها نباید آنها را نقض نمایند. در این رابطه، دولت آمریکا بسیاری از اتباع کشورهای خارجی را بدون محاکمه و تفهیم اتهام به منظور مبارزه با تروریسم در زندان گوانتانامو، بازداشت نموده است. بسیاری از این زندانیان به علت شرایط سخت زندان بارها دست به اعتصاب غذا زده‌اند. واشنگتن همچنین، با اعطای کمک‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی، غذایی و ... به تروریست‌های مسلح در سوریه یکی از بنیان اصلی ادامه بحران در این کشور و کشته شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان است. جدول زیر نقض حقوق بشر توسط دولت آمریکا براساس تفکرات نومحافظه‌کاری را نشان می‌دهد.

نقض حقوق سیاه پوستان	اعتقاد به برتری سفید پوستان	نسل اول	بنیادهای اعتقادی نومحافظه‌کاران آمریکایی در قبال موازین حقوق بشری
نقض حقوق زندانیان	تنبیه شدید جنایتکاران		
نقض حریم خصوصی شهروندان	نظارت بر زندگی شهروندان	نسل دوم	
ضعف در نظام درمانی و مسکن	بازار آزاد و کاهش مالیات		
نقض حقوق مهاجران	محدودیت حقوق شهروندان	نسل سوم	
نقض حقوق زنان	مخالفت با فمینیسم		
حمله پهبادهای آمریکایی به غیرنظامیان	چیرگی بر جهان	نسل سوم	
نقض حقوق زندانیان گوانتانامو	مبارزه با دشمن ساختگی		
تقویت تروریست‌های سوریه			

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۲)، کودتا: ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
۲. افقی، رضا؛ صیدیمرادی، جمیل (۱۳۹۲)، «نظام سلامت و بیمه‌های درمانی در آمریکا: چالش‌ها و اقدامات در نظر گرفته جهت برون‌رفت»، فصلنامه مطالعات آمریکا، پیش‌شماره ۷ و ۸، ص ۲۷-۱.

۳. باقی، مریم (۱۳۸۹)، «نسل‌های تازه حقوق بشر در راه است»، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، ش ۷.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۹۰)، لیبرالیسم و محافظه‌کاری: تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم جلد ۱، تهران: نشر نی.
۵. پایور، منوچهر (۱۳۸۳)، «بررسی فعالیت‌های دولت‌های ریگان و بوش پدر برای کسب مشروعیت سیاسی»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، ش ۱۸، ص ۱۸-۱.
۶. پوراحمدی میبدی، حسین؛ محمودی لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۰)، «سازمان‌های بین‌المللی، محیط زیست و مسائل اقتصادی شمال-جنوب»، فصلنامه علوم محیطی، سال ۸، ش ۳.
۷. پولادی، کمال (۱۳۸۳)، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، تهران: نشر مرکز.
۸. حیدری، محمدعلی؛ رهنورد، حمید (۱۳۸۸)، «میراث نومحافظه‌کاران و آینده آن در دولت اوباما»، مجله سیاست دفاعی، سال ۱۷، ش ۶۸، ص ۹۱-۱۲۰.
۹. جوان‌شهرکی، مریم (۱۳۸۷)، «بررسی بنیان‌های نومحافظه‌کاری در آمریکا»، پژوهش‌نامه سیاست خارجی، ش ۲۰، ص ۱۹۸-۱۶۵.
۱۰. دادپور، مریم (۱۳۹۲)، «نخنگان در جامعه آمریکا»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۷، ش ۲، ص ۳۴۶-۳۱۵.
۱۱. ذاکریان، مهدی (۱۳۷۸)، «جایگاه آمریکا و اسرائیل در کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، ش ۱، ص ۳۶-۲۱.
۱۲. فروغی‌نیا، حسین (۱۳۹۰)، «بین‌المللی شدن حقوق بشر و دگردیسی در مفهوم حاکمیت دولت‌ها در عصر جهانی شدن»، فصلنامه حقوق بشر اسلامی، سال ۱، ش ۱، ص ۱۸۷-۱۵۹.
۱۳. گوهری‌مقدم، ابوذر (۱۳۸۹)، «دکترین‌های سیاست خارجی ایالات متحده: بازشناسایی محتوایی»، فصلنامه مطالعات آمریکا، ش ۱، ص ۶۴-۳۳.
۱۴. لطفیان، سعیده (۱۳۹۱)، «ماهیت نظام سرمایه‌داری در آمریکا»، فصلنامه مطالعات آمریکا، ش ۴، ص ۳۱-۴.
۱۵. موسوی‌شفایی، سید مسعود (۱۳۸۸)، «نومحافظه‌کاری و هژمونی آمریکا (تحول هژمونی آمریکا در عصر نومحافظه‌کاران)»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱، ش ۲، صص ۱۵۱-۱۱۹.
۱۶. موسی‌نژاد، محمدجواد؛ حسین‌پور، نادر (۱۳۸۷)، «اثر اندیشه‌های لئو اشتراوس بر نومحافظه‌کاری و نمودهای آن در سیاست خارجی آمریکا»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۲۵۰، ص ۵۱-۳۶.
۱۷. نش، کیت (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.

ب) خارجی

18. Abuse and Incest National Network (2013), "Reporting Rates", <https://rainn.org/get-information/statistics/reporting-rates>
19. America government (2014), "human rights in brie", United States Department of State, <http://www.google.com/url?humanrights.pdf&ei>
20. Amnesty International (2014), "3 Key Takeaways From Amnesty International's Ferguson Report", <http://time.com/3535101/ferguson-amnesty-international-report-michael-brown/>
21. Amnesty International Report (2013), "The State of the World's HumanRights", <https://www.google.com/search?newwindow=1&q=amnesty+international+world+re>
22. Amnesty International Report (2012), "The State of the World's Human Rights", <http://www.google.com/url?sa=t&rect=j&q=&es>
23. Amnesty International (2014), "Syria", Middle East and North Africa, <http://www.amnestyusa.org/our-work/countries/middle-east-and-north-africa/syria>
24. American Civil Liberties Union (2012), "Human Rights Violations on the United States-Mexico Border", <http://www.google.com/url?sa>
25. Ball, James, Borger, Julian and, Greenwald, Glenn (2013), "Revealed: How US and UK Spy Agencies defeat Internet Privacy and Security", the Guardian Thursday 5 September.

26. Botelho, Greg and Brittain, Becky (2014), "Obama to seek more aid for moderate rebels in Syria", CNN June 27, Updated 1058 GMT (1858 HKT), <http://edition.cnn.com/2014/06/26/politics/syria-us-opposition-funding/>
27. Center for Economic and Social Rights (2009), "Human Rights and the Global Economic Crisis: Consequences, Causes and Responses", <https://www.google.com/search?Newwindow=1&q=Human+Rights+and+the+Global+Economic>
28. Embassy of United States of America (2009), "Freedom of Expression in the United States", <http://www.google.com/url?sa=t&rct>
29. Hartny, Christopher and Voang, Linh (2009), "Racial and Ethnic Disparities in the US Criminal Justice System", National Council on Crime and Delinquency.
30. Human Rights Whatch (2014), "world Report", http://www.hrw.org/sites/default/files/wr2014_web_0.pdf
31. Human Rights Whatch (2013), "world Report", http://www.hrw.org/sites/default/files/wr2013_web.pdf
32. Human Rights Whatch (2014), "A Wedding That Became a FuneralUS Drone Attack on Marriage Procession in Yemen", http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/yemen0214_ForUpload_0.pdf
33. International Security (2014), "Drone Wars Pakistan: Analysis Pakistan Drone Strikes To Date", <http://securitydata.newamerica.net/drones/pakistan/analysis>
34. Klein, Ezra and Soltas, Evan (2013), "Wonkbook: 11 facts about America's prison population", <http://www.washingtonpost.com/blogs/wonkblog/wp/2013/08/13/wonkbook-11-facts-about-americas-prison-population/>
35. Loha, Tanuka (2011), "Housing: It's a Wonderful Right", Amnesty International, <http://blog.amnestyusa.org/us/housing-its-a-wonderful-right/>
36. Malcolm X Grassroots Movement (2013), "Operation Ghetto Storm", Produced by the Every 36 Hours Campaign, <http://mxgm.org/operation-ghetto-storm-2012-annual-report-on-the-extrajudicial-killing-of-313-black-people/>
37. Merriam Webster Dictionary (2013), "Human Rights", <http://www.merriam-webster.com/dictionary/human%20rights>
38. Mikko, K. J. Cantell (2007), Neoconservative Ideology and The Use of torture in the Global War on Terrorism, University of Helsinki, Department of Political Science.
39. Mullikin, Arwen and Rahman, Syed (Shawon) M. (2010), "The Ethical Dilemma of the USA Government Wiretapping", International Journal of Managing Information Technology (IJMIT), Vol.2, No.4
40. National alliance to end Homelessness (2014), "The State of Homelessness in America", An examination of homelessness, economic, housing and demographic trends at the national and state levels.
41. National Religious Campaign against Turture (2013), "Guantanamo Bay Detention Center Fact Sheet", 110 Maryland Ave NE, Suite 502: Washington, DC 20002 (202) 547-1920 .
42. New York Civil Liberties Union (2014), "Immigrants' Rights are Human Rights: Universal Guarantees of Rights to All People", <http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&s>
43. Pew Research Center (2012), "Pakistani Public Opinion EverMore Critical of U.S.", Pew Global Attitudes Project, <http://www.pewglobal.org/files/2012/06/Pew-Global-Attitudes-Project-Pakistan-Report-FINAL-Wednesday-June-27-2012.pdf>
44. Rezaei, Ramin (1998), "Generation of Human Rights", http://www.google.com/#bav=on.2,or.r_qf.&fp=7033c00f88795d1f&q=r
45. University of Mumba (2013), human rights nature and constituents, <https://www.google.com/search>
46. US Department of Housing and Urban Development (2013), "The 2013Annual Homeless Assessment Report (AHAR) to Congress", Office of Community Planning and Development.
47. U.S. Department of State (2012), "Fact Sheet: Non-Governmental Organizations (NGOs) in the United States", <http://www.humanrights.gov/2012/01/12/fact>
48. Walt, Carmen DeNavas, Proctor, Bernadette D. and Smith, Jessica C. (2013), "Income, Poverty, and Health Insurance Coverage in the United States: 2012", U.S. Government Printing Office, Washington, DC.